

A Legal Study of Cyber Literary and Artistic Theft and Its Criminal Penalties in Iranian and International Law

Sina fazelpour¹, Hanieh shariatmadar^{*2}

1- Ph.D. Student in Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2*- Ph.D. Student in Law, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

ABSTRACT

In today's world, where cyberspace has become the primary platform for exchanging information and producing literary and artistic works, literary and artistic theft in the digital environment has emerged as a major challenge for both national and international legal systems. The central research question of this study is how Iranian legal regulations and international legal frameworks address the protection of intellectual works in cyberspace and the punishment of literary and artistic thieves, and to what extent these rules are effective in prevention and enforcement. The importance of this research lies in the unprecedented expansion of digital technologies and the ease of access to intellectual works, which have increased the risks of misuse, unauthorized copying, and infringement of creators' rights. Such infringements not only violate the individual rights of authors but also undermine public trust in legal protection mechanisms. The main objective of the article is to analyze the legal and criminal dimensions of literary and artistic theft in cyberspace and to compare them in Iranian law and international instruments, in order to identify gaps and strengths and to provide solutions for improving intellectual property protection. The research method is descriptive-analytical, based on library research, examination of domestic laws, international treaties, and relevant legal practices. Findings show that although Iranian law has criminalized certain forms of literary and artistic theft, ambiguities and deficiencies remain in dealing with cyber-related cases. In contrast, the international system, through instruments such as the Berne Convention and the TRIPS Agreement, offers more coherent frameworks. The study concludes that combining domestic legislative reforms with the experiences of international instruments can strengthen the protection of literary and artistic works in cyberspace. The novelty of this research lies in its comparative analysis and the provision of practical recommendations tailored to the Iranian legal system.

Keywords:

Cyber literary and artistic theft, Iranian law, International law, Intellectual property, Criminal penalties

How to Cite: fazelpour, S. and shariatmadar, H. (2025). A Legal Study of Cyber Literary and Artistic Theft and Its Criminal Penalties in Iranian and International Law. *Cyber Law*, 1(3), 45-60.

DOI: 10.22054/jocl.2326.75063.2717

Journal of Cyber Law in Development and Evolution is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.

© Authors



* Corresponding Author: hanieh.shariatmadar@law.um.ac.ir

بررسی قوانین حقوقی و مجازات‌های سارقان ادبی و هنری سایبری در حقوق ایران و بین الملل

سینا فاضل پور نیشابوری^۱، هانیه شریعت مداری قاینی^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

۲- دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران

چکیده

در دنیای معاصر که فضای سایبری بستر اصلی تبادل اطلاعات و تولید آثار ادبی و هنری محسوب می‌شود، موضوع سرقت‌های ادبی و هنری در این فضا به یکی از چالش‌های جدی حقوق داخلی و بین‌المللی تبدیل شده است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که قوانین حقوقی ایران و نظام‌های حقوقی بین‌المللی چه رویکردی در قبال حمایت از آثار فکری در فضای سایبری و مقابله با سارقان ادبی و هنری اتخاذ کرده‌اند و تا چه حد این مقررات می‌توانند در پیشگیری و مجازات مؤثر باشند. ضرورت پرداختن به این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که گسترش بی‌سابقه فناوری‌های دیجیتال و سهولت دسترسی به آثار فکری، زمینه سوءاستفاده، کپی‌برداری غیرمجاز و نقض حقوق پدیدآورندگان را افزایش داده و این امر نه تنها حقوق فردی مؤلفان را خدشه‌دار می‌سازد بلکه اعتماد عمومی به نظام حمایت حقوقی را نیز تضعیف می‌کند. هدف اصلی مقاله، تبیین ابعاد قانونی و کیفی سرقت‌های ادبی و هنری در فضای سایبری و مقایسه آن میان حقوق ایران و اسناد و رویه‌های بین‌المللی است تا خلأها و نقاط قوت قوانین شناسایی و راهکارهایی برای ارتقای حمایت از آثار فکری ارائه شود. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی بوده و با تکیه بر مطالعه منابع کتابخانه‌ای، قوانین داخلی، اسناد بین‌المللی و رویه‌های حقوقی مرتبط انجام گرفته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که هرچند نظام حقوقی ایران در قوانین موجود به جرم‌انگاری برخی مصادیق سرقت ادبی و هنری پرداخته، اما همچنان در حوزه فضای سایبری با ابهامات و نارسایی‌های تقنینی و اجرایی مواجه است؛ در مقابل، نظام بین‌المللی با تأکید بر معاهداتی چون کنوانسیون برن و موافقت‌نامه تریپس، چارچوب‌های نسبتاً منسجم‌تری را ارائه داده است. نتیجه نهایی مقاله حاکی از آن است که تلفیق اصلاحات تقنینی داخلی با بهره‌گیری از تجربیات بین‌المللی می‌تواند زمینه ارتقای حمایت از آثار ادبی و هنری در فضای سایبری را فراهم آورد و نوآوری این پژوهش در تحلیل تطبیقی دقیق و ارائه راهکارهای عملی متناسب با شرایط حقوقی ایران نهفته است.

کلیدواژه‌ها:

سرقت ادبی و هنری سایبری، حقوق ایران، حقوق بین‌الملل، مالکیت فکری، مجازات‌های کیفری

نحوه استناد:

فاضل پور نیشابوری، سینا و شریعت‌مداری قاینی، هانیه. (۱۴۰۴). بررسی قوانین حقوقی و مجازات‌های سارقان ادبی و هنری سایبری در حقوق ایران و بین‌الملل. حقوق سایبری، ۳۱(۳)، ۴۵-۶۰

نشریه حقوق سایبری در توسعه و تکامل تحت مجوز کرییتیو کامنز انتساب - غیر تجاری ۴٫۰ بین‌المللی منتشر شده است.

© نویسندگان



* ایمیل نویسنده مسئول: hanieh.shariatmadar@law.um.ac.ir

مقدمه

طبیعتاً خالقان آثار، مولفان، هنرمندان و پدیدآوردگان آثار فکری، به سبب خلاقیت و تلاش‌های فکری خود، مستحق برخورداری از حقوق ویژه‌ای هستند که حفاظت از آن‌ها تضمین‌کننده استمرار تولید علمی و هنری است. این حقوق، که در قالب مالکیت فکری و حق کپی‌رایت تجلی می‌یابند، نه تنها ابزاری برای حمایت از منافع شخصی مولفان هستند، بلکه تضمینی برای ارتقاء سطح فرهنگی و علمی جامعه به شمار می‌روند. در این راستا، قانون‌گذاری و رویه قضایی باید به‌صورت سختگیرانه و دقیق، نقض این حقوق را پیگیری کنند تا افراد سودجو و فرصت‌طلب نتوانند از خلأهای قانونی یا ضعف نظارت‌ها بهره‌برداری کرده و آثار دیگران را بدون اجازه به سرقت ببرند یا سوءاستفاده کنند. اهمیت حفظ حقوق مالکیت فکری و حق کپی‌رایت در عصر دیجیتال، به‌ویژه با ظهور فضای مجازی و گسترش فناوری‌های اطلاعاتی، دوچندان شده است؛ چرا که دسترسی آسان به محتوا و امکان انتشار سریع آن، زمینه را برای سرقت ادبی و هنری فراهم می‌کند. ماده ۲۶۷ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ سرقت را اینگونه تعریف می‌کند: «سرقت عبارت است از ربودن مال متعلق به غیر». مطابق با این ماده، موضوع جرم سرقت در نگاه اولیه، مال مادی است، اما با کمی تسامح و تحلیل می‌توان موضوعات مرتبط با سوءاستفاده‌های پژوهشی، علمی، ادبی و هنری متعلق به دیگران را که دارای ارزش مالی و معنوی هستند نیز در چارچوب جرم سرقت مورد بررسی قرار داد، چراکه این اعمال نوعی تعرض به حقوق مالکانه دیگران محسوب می‌شوند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷: ۲۴۳). هرچند برخی از صاحب‌نظران چنین رفتارهایی را بیشتر در زمره عدوان یا نقض اخلاق حرفه‌ای می‌دانند، اما با توجه به ارکان اصلی سرقت ادبی و عناصر تشکیل‌دهنده جرم، می‌توان سرقت ادبی را نیز در چارچوب جرم سرقت طبقه‌بندی کرد (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۰۳). وقتی از مالکیت در امور غیرمادی سخن به میان می‌آید، احتمال سرقت و دزدی آثار نیز وجود دارد. یکی از مهم‌ترین انواع مالکیت غیرمادی مرتبط با سرقت، مالکیت مولفان و ناشران بر آثار ادبی و هنری است، مانند کتاب‌های چاپی، صوتی و دیجیتال. حمایت از این مالکیت‌ها در گستره فرهنگی نه تنها به مولفان و هنرمندان بلکه به ناشران، مسئولان فرهنگی و همچنین به پدیدآوردگان کلیه آثار فرهنگی و هنری مربوط می‌شود (شاکری، ۱۳۹۸: ص ۶۶۰). اهمیت این حمایت زمانی بیشتر مشخص می‌شود که چالش‌های سرقت آثار در سطح جهانی را بررسی کنیم و ضرورت دارد که ایران نیز با رویکردی علمی و سازمان‌یافته این مسأله را پیگیری کند.

البته در نظام حقوقی ایران، قوانین متعددی برای حمایت از آثار ادبی و هنری و مقابله با سرقت‌های مرتبط وجود دارد. به‌ویژه «قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» مصوب ۱۳۴۸، «قانون مطبوعات» مصوب ۱۳۶۴، «قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» مصوب ۱۳۹۶ و «قانون حمایت از حقوق پدیدآوردگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای» مصوب ۱۳۷۹، مهم‌ترین مقررات موجود را تشکیل می‌دهند. در قانون حمایت حقوق مؤلفان، ماده ۲۳ مقرر می‌دارد: «هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالم‌عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند، به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد» و ماده ۲۴ این قانون بیان می‌کند که دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات‌های مقرر، دستور توقیف یا ضبط نسخه‌های غیرمجاز اثر را صادر نماید. در قانون مطبوعات، تبصره ۱ ماده ۶ سرقت ادبی را اینگونه تعریف می‌کند: «نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر، ولو به صورت ترجمه»، و تبصره ۲ همان ماده مجازات آن را مطابق ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی تعیین کرده است (حبس از ۲ ماه تا ۲ سال یا

تا ۷۴ ضربه شلاق). همچنین ماده ۲ قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی، جرم را شامل تهیه، عرضه و واگذاری آثار پژوهشی، علمی و هنری اعم از الکترونیکی یا غیرالکترونیکی با هدف ارائه اثر توسط دیگری به عنوان اثر خود می‌داند و ماده ۱۳ قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مقرر می‌دارد که حقوق مادی آثار سفارش شده تا سی سال متعلق به سفارش‌دهنده است، مگر توافق دیگری صورت گرفته باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷؛ پورجوادی، ۱۳۸۱).

سرقت سایبری نیز از نظر ماهیت با سرقت سنتی تفاوت چندانی ندارد و تنها تفاوت عمده در محیط ارتکاب جرم است. هر دو نوع سرقت، از ارکان و عناصر مشترک تشکیل‌دهنده جرم برخوردارند و تعاریف فقهی و حقوقی سرقت شامل هر دو می‌شود. بررسی کیفر سرقت سایبری در حقوق ایران نشان می‌دهد که با توجه به رابطه میان سرقت رایانه‌ای و سرقت سایبری، این جرایم مشمول مجازات‌های تعیین شده در قانون جرایم رایانه‌ای هستند. با این حال، به دلیل پیچیدگی و تنوع نحوه ارتکاب سرقت‌های سایبری و ناشناخته بودن بیشتر جنبه‌های فضای سایبر، قانون‌گذار نتوانسته است مجازات‌های بازدارنده و متناسبی را پیش‌بینی کند. تحلیل مواد قانون جرایم رایانه‌ای نشان می‌دهد که مجازات‌های تعیین شده نه تنها بازدارنده کافی نیستند، بلکه تفاوت فاحشی میان مجازات سارقان سایبری و سنتی و همچنین میان مجازات اشخاص حقیقی و حقوقی وجود دارد و در برخی موضوعات مهم، مانند حد سرقت سایبری، قانون سکوت کرده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷). بنابراین، ضرورت اصلاح و توسعه قوانین مرتبط با سرقت ادبی و هنری، به‌ویژه در فضای سایبر، با رویکردی علمی و هماهنگ با استانداردهای بین‌المللی از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است تا حقوق مولفان، مصنفان و هنرمندان به‌طور کامل حمایت شود و خلأهای قانونی زمینه‌ساز سوءاستفاده‌های قانونی و غیرقانونی نگردند. از این‌رو، بررسی قوانین و مقررات مرتبط با سرقت آثار فکری و هنری در محیط سایبری، ارزیابی مجازات‌های قانونی برای مرتکبان، و تحلیل تطبیقی حقوق ایران با استانداردهای بین‌المللی، گامی ضروری در جهت ارتقای عدالت کیفری و حمایت از خالقان آثار است. هدف اصلی تحقیق حاضر، شناسایی و تحلیل چارچوب‌های قانونی موجود در حوزه حمایت از آثار فکری و هنری، بررسی سیاست‌های کیفری مرتبط با سرقت سایبری، و ارائه راهکارهایی برای اصلاح یا تقویت مقررات موجود است، به‌گونه‌ای که بتوان از وقوع سرقت ادبی و هنری در فضای دیجیتال پیشگیری کرد و حقوق مولفان به‌صورت مؤثر تضمین شود. این مطالعه با رویکردی تحلیلی-تطبیقی، تلاش دارد خلأها و چالش‌های قانونی در ایران را آشکار ساخته و با بهره‌گیری از تجربیات بین‌المللی، پیشنهادهایی عملی برای قانون‌گذاران، محاکم و پژوهشگران آینده ارائه دهد.

جرم انگاری سرقت‌ها در فضای سایبری

با گسترش فناوری اطلاعات و نفوذ اینترنت در زندگی روزمره، سرقت‌های سایبری به یکی از مهم‌ترین جرایم نوین تبدیل شده است. این نوع سرقت از نظر ماهوی با سرقت سنتی تفاوت چندانی ندارد و تنها تفاوت اصلی در محیط ارتکاب جرم است. به عبارت دیگر، عناصر اصلی سرقت شامل ربودن مال متعلق به غیر، عمد و تسلط غیرمجاز بر مال، در سرقت سایبری نیز برقرار است، اما ابزار و بستر تحقق جرم دیجیتال است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۱). این سرقت‌ها می‌توانند شامل دسترسی غیرمجاز به داده‌های شخصی، پژوهشی، علمی، ادبی، هنری یا حتی مالی افراد و مؤسسات باشند و ارزش آن‌ها نه تنها مالی بلکه معنوی و فرهنگی است، که اهمیت حفاظت قانونی از آن‌ها را دوچندان می‌کند (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۰۷).

قانون‌گذار ایران برای پاسخ به این چالش، در سال ۱۳۸۸ «قانون جرایم رایانه‌ای» را تصویب کرد که هدف آن جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه در فضای سایبر، از جمله سرقت داده‌ها و سوءاستفاده از اطلاعات دیجیتال بود (پورجوادی، ۱۳۸۱، ص. ۷۸). این قانون انواع جرایم رایانه‌ای را تعریف کرده و مجازات متناسب با آن‌ها را پیش‌بینی کرده است. بر اساس ماده ۲ این قانون، دسترسی غیرمجاز به داده‌های کامپیوتری، سرقت اطلاعات و استفاده غیرمجاز از داده‌ها جرم محسوب شده و مرتکب می‌تواند علاوه بر حبس، مشمول جزای نقدی نیز شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۵).

مفهوم سرقت سایبری تنها محدود به دارایی‌های مالی نیست بلکه شامل نقض مالکیت فکری و معنوی نیز می‌شود. آثار ادبی، هنری و پژوهشی، به دلیل ارزش معنوی و اقتصادی، در معرض خطر سرقت سایبری قرار دارند. برای مثال، دسترسی غیرمجاز به پایان‌نامه‌ها، مقالات علمی، یا حتی محتوای دیجیتال فرهنگی و هنری بدون اجازه صاحب اثر، از نظر قانون‌گذار و حقوق بین‌الملل، نوعی سرقت و تعرض به حقوق مالکانه تلقی می‌شود (احمدی، ۱۴۰۱، ص. ۸۰). بنابراین، جرم‌انگاری سرقت سایبری باید شامل انواع داده‌ها و اطلاعات دارای ارزش مالی و معنوی باشد. با وجود جرم‌انگاری سرقت‌های سایبری، تحلیل مقررات موجود نشان می‌دهد که قانون‌گذار در تعیین مجازات‌ها و حد سرقت برای این جرایم با چالش مواجه است. تفاوت وسعت و پیچیدگی جرایم سایبری با سرقت سنتی موجب شده است که مجازات‌های مقرر در قانون جرایم رایانه‌ای از بازدارندگی کافی برخوردار نباشند و امکان ارتکاب مکرر جرم فراهم شود (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۰۹). علاوه بر این، قانون‌گذار در مورد تفاوت میان مسئولیت اشخاص حقیقی و حقوقی در ارتکاب سرقت‌های سایبری نیز ابهاماتی ایجاد کرده است، که باعث می‌شود اجرای عدالت به شکل کامل محقق نشود.

تحلیل تطبیقی با قوانین بین‌المللی نشان می‌دهد که اکثر کشورها، ضمن جرم‌انگاری سرقت‌های سایبری، توجه ویژه‌ای به حفاظت از مالکیت فکری و داده‌های دیجیتال دارند. برای مثال، کنوانسیون بوداپست (۲۰۰۱) به صراحت انواع دسترسی غیرمجاز، سرقت داده‌ها و سوءاستفاده از اطلاعات دیجیتال را جرم‌انگاری کرده و چارچوب مجازات‌های بازدارنده برای آن‌ها ارائه می‌دهد (پورجوادی، ۱۳۸۱، ص. ۸۲). اگرچه ایران هنوز به بسیاری از این کنوانسیون‌ها نپیوسته است، تصویب قانون جرایم رایانه‌ای نخستین گام برای ایجاد بستر قانونی مناسب در این حوزه محسوب می‌شود.

در کنار قانون‌گذاری، یکی از چالش‌های مهم سرقت سایبری، قابلیت ردیابی و شناسایی مرتکبان است. برخلاف سرقت سنتی که آثار فیزیکی جرم قابل شناسایی و ضبط است، در فضای دیجیتال، مجرم می‌تواند از ابزارهای پیچیده‌ای برای مخفی کردن اثر خود استفاده کند. این ویژگی، ضرورت جرم‌انگاری دقیق، پیش‌بینی مجازات‌های بازدارنده و همچنین ایجاد سامانه‌های نظارتی و فنی برای مقابله با سرقت سایبری را دوچندان می‌کند. همچنین، پیشگیری نقش بسیار مهمی در کاهش سرقت‌های سایبری دارد. آموزش کاربران، سازمان‌ها و مؤسسات فرهنگی، هنری و پژوهشی درباره روش‌های حفاظت از داده‌ها و آثار دیجیتال، می‌تواند به شکل مؤثری از ارتکاب جرم جلوگیری کند. در واقع، جرم‌انگاری باید با اقدامات پیشگیرانه ترکیب شود تا هم حقوق مولفان و هنرمندان محفوظ بماند و هم فضای سایبر به بستری امن برای تبادل اطلاعات و آثار فرهنگی و علمی تبدیل شود (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۱۰).

در نتیجه، جرم‌انگاری سرقت‌های سایبری در ایران به لحاظ قانونی شکل گرفته، اما نیازمند اصلاحات و تکمیل مقررات با رویکرد علمی و تطبیقی است. بازنگری قوانین موجود با توجه به پیچیدگی فضای سایبر، انواع مالکیت معنوی و

داده‌های دیجیتال و مسئولیت اشخاص حقیقی و حقوقی، می‌تواند موجب افزایش بازدارندگی و حفاظت از حقوق مؤلفان، هنرمندان و پژوهشگران شود (نجف زاده، ۱۴۰۲، ص. ۴۸) ترکیب جرم‌انگاری، پیشگیری، آموزش و ابزارهای فنی، چارچوبی جامع برای مقابله با سرقت‌های سایبری ایجاد می‌کند که ضرورت آن با توجه به رشد روزافزون این جرایم در ایران و جهان غیرقابل انکار است.

حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری به مجموعه حقوقی گفته می‌شود که به پدیدآورندگان آثار فکری تعلق می‌گیرد و هدف آن حفاظت از خلاقیت و نوآوری است. این حقوق به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند: حقوق مادی و حقوق معنوی. حقوق مادی شامل بهره‌برداری اقتصادی از اثر، مانند فروش، تکثیر، انتشار و اجاره آن است، در حالی که حقوق معنوی شامل حق انتساب اثر به خالق آن، حفظ تمامیت اثر و جلوگیری از تحریف یا تغییر آن بدون اجازه مالک می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص. ۱۲۳). با ظهور فضای سایبری و گسترش اینترنت، حفاظت از این حقوق با چالش‌های جدیدی مواجه شده است. سرقت آثار فکری در فضای سایبری معمولاً به صورت کپی‌برداری غیرمجاز از کتاب‌ها، مقالات، تصاویر، موسیقی و نرم‌افزارها رخ می‌دهد و می‌تواند بدون اطلاع یا رضایت پدیدآورنده انجام شود. این نوع سرقت‌ها به دلیل سرعت انتقال اطلاعات و گستردگی شبکه‌های دیجیتال، آسیب‌های گسترده‌تری نسبت به سرقت سنتی به پدیدآورندگان وارد می‌کنند (پورجوادی، ۱۳۸۱، ص. ۴۵).

یکی از مشکلات اصلی در سرقت‌های سایبری، قابلیت تکثیر بی‌نهایت و فوری آثار دیجیتال است، به طوری که یک اثر می‌تواند در چند دقیقه در هزاران سایت و شبکه به اشتراک گذاشته شود بدون آنکه امکان کنترل آن برای صاحب اثر وجود داشته باشد. علاوه بر این، ناشران و تولیدکنندگان محتوای دیجیتال با خطر از دست دادن درآمد ناشی از استفاده غیرمجاز مواجه‌اند، زیرا اغلب کاربران نسخه‌های غیرقانونی را ترجیح می‌دهند (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۲۲). از نظر حقوقی، سرقت آثار فکری در فضای سایبری در قوانین ایران تحت عنوان «دسترسی غیرمجاز به داده‌ها و اطلاعات» یا «نقض حقوق مؤلفان و هنرمندان» جرم‌انگاری شده است. ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) و ماده ۷۴۰ قانون جرایم رایانه‌ای (۱۳۸۸) به این موضوع پرداخته‌اند و برای مرتکبین مجازات‌هایی از جمله حبس و جزای نقدی پیش‌بینی کرده‌اند. با این حال، با توجه به پیچیدگی و گستردگی فضای سایبری، اثبات وقوع جرم و شناسایی مرتکب در بسیاری از موارد دشوار است (قدیر، ۲۰۱۹، ص. ۶۰).

مجازات‌های کیفری

مجازات‌های کیفری در حوزه نقض حقوق مالکیت فکری به منظور حفظ منافع مادی و معنوی پدیدآورندگان و بازدارندگی از ارتکاب جرم اعمال می‌شوند. این مجازات‌ها با هدف ایجاد بازدارندگی و جلوگیری از سرقت‌های ادبی، هنری و علمی در فضای سنتی و دیجیتال تدوین شده‌اند. در فضای سایبری، به دلیل قابلیت تکثیر سریع و گسترده آثار دیجیتال، اهمیت این مجازات‌ها بیشتر می‌شود، زیرا یک سرقت کوچک می‌تواند به سرعت به یک خسارت گسترده اقتصادی و معنوی منجر شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۵).

مجازات‌های کیفری شامل حبس، جزای نقدی، محرومیت از حقوق اجتماعی و حتی در برخی موارد ابطال مدارک تحصیلی و علمی است. به‌عنوان مثال، ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸) برای کسی که اثر دیگران را بدون اجازه نشر کند، حبس ۶ ماه تا ۳ سال را پیش‌بینی کرده است. همچنین ماده ۷۴۰ قانون جرایم

رایانه‌ای (۱۳۸۸) برای سرقت داده‌ها و اطلاعات دیجیتال، مجازات‌های مشابه از جمله حبس و جزای نقدی تعیین کرده است.

هدف این مجازات‌ها تنها تنبیه مرتکب نیست، بلکه ایجاد بازدارندگی برای دیگران نیز مدنظر است. تحقیقات نشان می‌دهد که مجازات‌های شدیدتر در سرقت‌های سایبری، به ویژه زمانی که شامل توقیف آثار دیجیتال یا محرومیت از فعالیت‌های اقتصادی مرتبط با اثر باشد، اثر بازدارنده بیشتری دارند (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۳۰). علاوه بر این، قانون‌گذار در برخی موارد برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های سازمان‌یافته، امکان اعمال مجازات بر اشخاص حقوقی مانند شرکت‌های نشر دیجیتال را نیز پیش‌بینی کرده است. از آنجایی که فضای سایبری قابلیت ناشناس بودن و دسترسی جهانی را فراهم می‌کند، اثبات جرم و شناسایی مرتکب برای مجازات کیفری چالش‌برانگیز است. به همین دلیل، قوانین ایران و بسیاری از کشورهای دیگر تلاش کرده‌اند تا ترکیبی از مجازات‌های کیفری و مدنی را برای محافظت از حقوق مالکیت فکری در فضای دیجیتال ارائه دهند (قدیر، ۲۰۱۹، ص. ۶۵). می‌توان گفت مجازات‌های کیفری در سرقت‌های ادبی و هنری سایبری نقش بازدارنده و حمایتی مهمی دارند و بدون آن‌ها، حفاظت از حقوق معنوی و مادی پدیدآورندگان در فضای دیجیتال با خطر جدی مواجه خواهد شد. این مجازات‌ها باید با توجه به وسعت خسارت و پیچیدگی سرقت‌های سایبری طراحی شده و به روزرسانی شوند تا اثر بازدارنده خود را حفظ کنند.

مبانی فقهی و حقوقی

در فقه اسلامی، هرچند مالکیت فکری به صورت مستقیم مورد بحث قرار نگرفته است، اما اصول کلی مالکیت و رعایت حقوق دیگران، به ویژه احترام به آثار و تلاش‌های خلاقانه افراد، می‌تواند مبنایی برای حمایت از حقوق مؤلفان و هنرمندان فراهم کند. قاعده معروف «لَا تَطْلُمُونَ وَلَا تُطْلَمُونَ» که بر منع ظلم و تجاوز به حقوق دیگران تأکید دارد، نشان می‌دهد که استفاده غیرمجاز از آثار دیگران جایز نیست و وظیفه جامعه و حکومت بر جلوگیری از آن است. از منظر فقهی، پدیدآورنده اثر دارای حق بهره‌برداری و تصرف مشروع در اثر خود است و هرگونه برداشت یا بهره‌برداری بدون اجازه او، حتی در محیط‌های دیجیتال، مغایر با اصول عدالت و انصاف محسوب می‌شود (قربانی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۰). علاوه بر این، آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی فقه اسلامی بر حفظ حقوق معنوی و مادی دیگران تأکید دارند، به ویژه زمانی که آثار خلق شده می‌توانند منافع اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای ایجاد کنند؛ در این صورت سرقت آثار ادبی، هنری و علمی در فضای سایبری نه تنها نقض حق مالکیت، بلکه تعدی به نظم و عدالت اجتماعی محسوب می‌شود. در نظام حقوقی ایران نیز حمایت از حقوق مؤلفان و هنرمندان به صورت صریح در قوانین مختلف آمده است. قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ یکی از مهم‌ترین قوانین در این زمینه است که به حفاظت از آثار ادبی و هنری می‌پردازد و برای نقض حقوق مؤلفان مجازات‌هایی پیش‌بینی کرده است. ماده ۲۳ این قانون مشخص می‌کند که هر کس تمام یا بخشی از اثر دیگری را بدون اجازه او به نام خود یا به نام پدیدآورنده نشر یا پخش کند، به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد، که نشان‌دهنده جدیت قانون‌گذار در حفاظت از حقوق مالکیت فکری است (پورجوادی، ۱۳۸۱، ص. ۵۸). این ماده، هم حقوق مادی مؤلفان را پوشش می‌دهد و هم حقوق معنوی آن‌ها را، زیرا اعتبار و اصالت اثر به نام پدیدآورنده حفظ می‌شود.

با توسعه فناوری و گسترش فضای سایبری، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ نیز به حوزه سرقت‌های دیجیتال و نقض حقوق مالکیت فکری توجه کرده است. ماده ۷۴۰ این قانون، دسترسی غیرمجاز به داده‌ها و اطلاعات را جرم‌انگاری

کرده و برای مرتکبان آن مجازات‌هایی از جمله حبس و جزای نقدی تعیین نموده است. این قانون نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران، علاوه بر حمایت از آثار سنتی، به حفاظت از آثار دیجیتال و جلوگیری از کپی‌برداری و نشر غیرمجاز در فضای سایبری نیز اهتمام دارد (قدیر، ۲۰۱۹، ص. ۶۵). علاوه بر این، قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶ به‌طور خاص به حوزه علمی و پژوهشی می‌پردازد و سرقت علمی را جرم‌انگاری می‌کند. این قانون بیان می‌کند که تهیه، عرضه یا واگذاری آثاری مانند پایان‌نامه، مقاله، رساله یا سایر آثار پژوهشی و علمی توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی بدون اجازه پدیدآورنده، جرم محسوب می‌شود و مرتکب مشمول مجازات قانونی خواهد شد. هدف از این قانون، حفاظت از حقوق مؤلفان در محیط علمی و پژوهشی و جلوگیری از سوءاستفاده‌های سازمان‌یافته از آثار علمی و پژوهشی است (زارع، ۱۳۹۰، ص. ۳۵).

به این ترتیب، مبانی فقهی و حقوقی در کنار یکدیگر، چارچوبی محکم برای حمایت از مالکیت فکری و مقابله با سرقت آثار ادبی، هنری و علمی فراهم می‌آورند. مبانی فقهی بر اصل عدالت و احترام به حقوق دیگران تأکید دارند و مبانی حقوقی با پیش‌بینی مجازات‌ها و مقررات مشخص، حفاظت عملی از آثار پدیدآورندگان را تضمین می‌کنند. این ترکیب فلسفی-فقهی و حقوقی، به ویژه در فضای سایبری که سرقت و سوءاستفاده از آثار فکری بسیار سریع و گسترده رخ می‌دهد، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

نظریه‌های حقوقی مرتبط با سرقت ادبی و هنری سایبری

در حقوق ایران، سرقت ادبی و هنری سایبری یکی از موضوعات مهم و پیچیده در حوزه مالکیت فکری محسوب می‌شود و نظریه‌های مختلف حقوقی برای تحلیل و مجازات این جرم مطرح شده‌اند. این نظریه‌ها به‌منظور تعیین محدوده مسئولیت مرتکب، اثبات تقصیر و تشخیص نوع مجازات کاربرد دارند و هرکدام رویکرد متفاوتی نسبت به ارکان جرم ارائه می‌کنند.

نظریه تقصیر یکی از مهم‌ترین نظریه‌ها در این زمینه است که بر اثبات عنصر روانی یا قصد مرتکب تأکید دارد. بر اساس این نظریه، برای اینکه سرقت ادبی یا هنری سایبری به عنوان جرم شناخته شود، باید مشخص شود که فرد با علم و عمد، آثار دیگران را به نام خود یا شخص ثالث منتشر کرده است (بای، ۱۳۹۸، ص. ۱۷۵). این رویکرد، تکیه بر عنصر عمد و سوءنیت دارد و بنابراین جرمی که بدون قصد و علم انجام شده باشد، ممکن است مشمول این نظریه نشود. به عبارت دیگر، مرتکب باید نسبت به اصالت اثر و حق مالکیت آن آگاهی داشته و عمداً از این حق سوءاستفاده کرده باشد. در فضای سایبری، این مسئله اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، زیرا انتشار یک اثر دیجیتال می‌تواند به سرعت در سطح گسترده‌ای منتشر شود و تشخیص عمد یا سهوی بودن رفتار مرتکب، مستلزم بررسی دقیق شواهد دیجیتال و مستندات الکترونیکی است.

نظریه مسئولیت مطلق رویکردی متفاوت دارد و برای آن دسته از سرقت‌های سایبری کاربرد دارد که ممکن است به صورت ناشیانه یا به دلیل ناآگاهی صورت گرفته باشند. بر اساس این نظریه، حتی اگر مرتکب بدون علم و قصد، آثار دیگران را به نام خود منتشر کند، باز هم مسئول شناخته می‌شود و باید پاسخگو باشد (پورجوادی، ۱۳۸۱، ص. ۶۵). این نظریه با توجه به ویژگی‌های فضای سایبری و سهولت دسترسی به آثار دیجیتال، اهمیت زیادی پیدا می‌کند، زیرا انتشار غیرمجاز یک اثر ممکن است بدون قصد یا آگاهی ناشر یا کاربر رخ دهد، اما پیامدهای اقتصادی و معنوی آن برای صاحب اثر قابل توجه است. نظریه مسئولیت مطلق در واقع تلاش دارد تا با کاهش اهمیت عنصر عمد، حفاظت مؤثر از

حقوق مالکیت فکری را تضمین کند و از ایجاد خلأ قانونی که مرتکب را به دلیل عدم قصد مجرم نمی‌داند، جلوگیری نماید.

نظریه مسئولیت کیفری نیز رویکرد دیگری است که سرقت ادبی و هنری سایبری را به عنوان جرم کیفری شناخته و تأکید دارد که مرتکب آن مشمول مجازات‌های کیفری خواهد شد. این نظریه بر پایه قوانین موجود در ایران مانند ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان و ماده ۷۴۰ قانون جرایم رایانه‌ای استوار است و نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران قصد دارد رفتارهای مجرمانه در حوزه مالکیت فکری را با اعمال مجازات بازدارنده کنترل کند (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۴۲). مجازات‌ها می‌توانند شامل حبس، جزای نقدی و توقیف نسخه‌های غیرمجاز آثار باشند و هدف از آن‌ها علاوه بر تنبیه مرتکب، ایجاد بازدارندگی برای دیگران است.

در تحلیل تطبیقی، ترکیب این سه نظریه می‌تواند راهکار جامع‌تری برای مقابله با سرقت‌های سایبری ارائه دهد. نظریه تقصیر عنصر عمد و علم را بررسی می‌کند، نظریه مسئولیت مطلق پوشش حفاظتی گسترده‌تری برای آثار ایجاد می‌کند و نظریه مسئولیت کیفری، ضمانت اجرای عملی و بازدارنده فراهم می‌آورد. این سه نظریه در کنار یکدیگر، چارچوبی کامل برای تحلیل حقوقی سرقت ادبی و هنری سایبری تشکیل می‌دهند و نشان می‌دهند که برخورد با این جرایم نیازمند هم توجه به عنصر روانی و هم رعایت اصول بازدارندگی و حفاظت مادی و معنوی است و همچنین با توجه به پیچیدگی فضای سایبری و سرعت انتشار آثار دیجیتال، ترکیب این نظریه‌ها در تدوین قوانین و سیاست‌های کیفری، می‌تواند به حفاظت مؤثر از حقوق مؤلفان و هنرمندان و کاهش سرقت‌های سایبری کمک کند، به‌ویژه زمانی که آثار ارزشمند علمی، ادبی یا هنری در معرض تهدید گسترده قرار دارند.

قوانین حقوقی و مجازات‌های سارقان ادبی و هنری سایبری

در نظام حقوقی ایران، حفاظت از آثار ادبی و هنری و مقابله با سرقت‌های مرتبط با آن‌ها همواره مورد توجه قانون‌گذار بوده است. آثار ادبی و هنری، به دلیل ارزش معنوی و فرهنگی و همچنین ارزش اقتصادی، جزء دارایی‌های غیرمادی محسوب می‌شوند و هرگونه سوءاستفاده از آن‌ها می‌تواند هم به اعتبار مؤلف و هنرمند آسیب برساند و هم آثار فرهنگی جامعه را تهدید کند. از این رو، قوانین متعددی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و پدیدآورندگان تصویب شده‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به «قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» مصوب ۱۳۴۸، «قانون مطبوعات» مصوب ۱۳۶۴ و «قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» مصوب ۱۳۹۶ اشاره کرد. این قوانین تلاش دارند تا با جرم‌انگاری رفتارهای سرقت‌آمیز، هم زمینه بازدارندگی ایجاد کنند و هم حقوق معنوی و مادی مؤلفان را تضمین نمایند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۵). در قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، ماده ۲۳ به صراحت سرقت ادبی و هنری را جرم‌انگاری کرده است: «هر کس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالماً عامداً به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند، به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم خواهد شد.» این ماده نه تنها سرقت کامل آثار را شامل می‌شود، بلکه استفاده جزئی یا اقتباس غیرمجاز را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که قانون‌گذار قصد دارد از حقوق معنوی مؤلف به صورت کامل حمایت کند (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۰۷). همچنین، ماده ۲۴ این قانون به اقدامات تکمیلی پیشگیرانه و انتظامی اشاره دارد و می‌گوید: «در صورتی که کسی مرتکب جرائم مندرج در این قانون شود، دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات‌های مقرر، دستور توقیف

یا ضبط نسخه‌های غیرمجاز اثر را صادر نماید.» این ماده نقش مهمی در جلوگیری از انتشار غیرقانونی آثار دارد و امکان اعمال محدودیت‌های فوری برای حفاظت از اثر را فراهم می‌کند (کبیری، ۱۳۹۸، ص ۲۲). در واقع، ترکیب این دو ماده، هم ماهیت جرم و هم ضمانت اجرای آن را به شکل جامع پوشش می‌دهد و در مقابل متخلفان بازدارندگی ایجاد می‌کند. در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ نیز سرقت ادبی به صورت مشخص تعریف شده است. تبصره ۱ ماده ۶ این قانون بیان می‌کند: «سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر، ولو به صورت ترجمه.» علاوه بر تعریف، تبصره ۲ همان ماده مجازات این جرم را مشخص می‌کند و مطابق ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی، مرتکب می‌تواند به حبس از ۲ ماه تا ۲ سال یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم شود. این مجازات نشان می‌دهد که قانون‌گذار سرقت ادبی را نه تنها به عنوان تخلف مدنی بلکه به عنوان جرم کیفری دارای مجازات محسوس تلقی کرده است، که هدف آن جلوگیری از تکرار جرم و ایجاد بازدارندگی است (پورجوادی، ۱۳۸۱، ص ۸۲). در حوزه علمی و پژوهشی نیز قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی مصوب ۱۳۹۶ به صراحت سرقت آثار پژوهشی و علمی را جرم‌انگاری کرده است. ماده ۲ این قانون مقرر می‌دارد: «تهیه، عرضه و یا واگذاری آثاری از قبیل رساله، پایان‌نامه، مقاله، طرح پژوهشی، کتاب، گزارش یا سایر آثار مکتوب و یا ضبط‌شده پژوهشی علمی و یا هنری اعم از الکترونیکی یا غیرالکترونیکی توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به قصد انتفاع و به عنوان حرفه یا شغل - با هدف ارائه کل اثر و یا بخشی از آن توسط دیگری به عنوان اثر خود، جرم است.» این ماده، گستره سرقت علمی و پژوهشی را به صورت جامع پوشش می‌دهد و به ویژه سرقت سایبری و دیجیتال را شامل می‌شود، زیرا هرگونه انتشار یا استفاده غیرمجاز از آثار علمی در فضای الکترونیکی نیز مشمول این ماده قرار می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص ۲۵۹). علاوه بر آن، در قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، ماده ۱۳ بیان می‌کند که «حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می‌آید تا سی سال از تاریخ پدید آمدن اثر متعلق به سفارش‌دهنده است، مگر آنکه برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد.» این ماده به حقوق مادی آثار سفارش‌شده در حوزه نرم‌افزار و تولید دیجیتال توجه دارد و نشان می‌دهد که قانون‌گذار حتی در زمینه آثار دیجیتال و سایبری نیز حفاظت قانونی را لحاظ کرده است.

در مجموع، نظام حقوقی ایران با تدوین این قوانین، تلاش کرده است تا از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان در برابر سرقت‌های ادبی و هنری حمایت کند و مجازات‌های مناسبی برای متخلفان در نظر بگیرد. این قوانین نه تنها جرم را تعریف کرده بلکه ابزارهایی برای توقیف و جلوگیری از انتشار آثار سرقتی فراهم کرده‌اند. با توجه به رشد روزافزون سرقت‌های سایبری و دیجیتال، پیگیری و اصلاح مستمر این قوانین و ایجاد هماهنگی میان قوانین مرتبط ضروری است تا هم حقوق معنوی و مادی مؤلفان محافظت شود و هم بازدارندگی قانونی افزایش یابد (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۴۱۰).

قوانین حقوقی و مجازات‌های سارقان ادبی و هنری سایبری در نظام‌های بین‌الملل با گسترش فناوری اطلاعات و افزایش استفاده از فضای دیجیتال در تبادل آثار فرهنگی، هنری و علمی، سرقت‌های سایبری به یک چالش جهانی تبدیل شده است. این نوع سرقت‌ها نه تنها شامل برداشت غیرمجاز داده‌ها و اطلاعات مالی می‌شوند، بلکه نقض مالکیت معنوی و حقوق مولفان و هنرمندان را نیز در بر می‌گیرند. در پاسخ به این چالش، نظام‌های

حقوقی بین‌المللی تلاش کرده‌اند با تدوین کنوانسیون‌ها و توافق‌نامه‌های جهانی، چارچوبی برای جرم‌انگاری سرقت سایبری فراهم کنند و مجازات‌های متناسب با این جرایم تعیین نمایند (پورجوادی، ۱۳۸۱، ص. ۷۸).

یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در این حوزه، «کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری» است که نخستین بار در سال ۱۸۸۶ تصویب شد و آخرین تجدیدنظر آن در سال ۱۹۷۱ و اصلاحیه ۱۹۷۹ در پاریس انجام گرفت. این کنوانسیون، حق مالکیت معنوی و حقوق مولفان را در سطح بین‌المللی تضمین می‌کند و کشورهایی که به آن پیوسته‌اند موظف‌اند قوانین داخلی خود را در جهت حمایت از آثار ادبی و هنری و جلوگیری از سرقت آن‌ها اصلاح کنند. هرچند ایران تاکنون به این کنوانسیون نپیوسته است، اما این سند به عنوان یک الگوی جهانی برای جرم‌انگاری سرقت آثار فرهنگی و ادبی شناخته می‌شود. علاوه بر کنوانسیون برن، «کنوانسیون بوداپست» یا کنوانسیون شورای اروپا در زمینه جرایم سایبری (۲۰۰۱) نیز چارچوب مهمی برای مقابله با سرقت‌های سایبری ارائه می‌دهد. این کنوانسیون، دسترسی غیرمجاز به داده‌ها، سرقت اطلاعات، جعل داده‌ها و استفاده غیرمجاز از اطلاعات دیجیتال را جرم‌انگاری کرده و برای مرتکبان، مجازات‌های کیفری بازدارنده تعیین می‌کند. کشورهای عضو این کنوانسیون موظف‌اند قوانین داخلی خود را به نحوی اصلاح کنند که شامل حمایت از مالکیت معنوی و اطلاعات دیجیتال نیز باشد. (رحمانی، ۱۳۸۱، ص. ۱۲).

در نظام‌های حقوقی بین‌المللی، مجازات‌های سرقت سایبری اغلب ترکیبی از مجازات‌های حبس، جزای نقدی و اقدامات انتظامی و پیشگیرانه است. برای مثال، در بسیاری از کشورهای اروپایی، سرقت سایبری شامل کپی غیرمجاز آثار هنری، ادبی و علمی، علاوه بر حبس، می‌تواند منجر به توقیف و ضبط تجهیزات الکترونیکی مورد استفاده در جرم شود. این مجازات‌ها علاوه بر بازدارندگی، به جبران خسارت‌های معنوی و اقتصادی پدیدآورندگان نیز کمک می‌کنند (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۰۹). یکی از ویژگی‌های مهم نظام‌های بین‌المللی در مقابله با سرقت سایبری، ایجاد هماهنگی میان کشورهای مختلف است. جرایم سایبری اغلب مرزهای ملی را نمی‌شناسند و داده‌ها و آثار دیجیتال می‌توانند از طریق شبکه‌های جهانی منتقل شوند. از این رو، کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی تلاش می‌کنند با هماهنگی قوانین داخلی کشورها، امکان تعقیب بین‌المللی متخلفان را فراهم کنند. این هماهنگی شامل تعریف دقیق جرم، تعیین مجازات‌های استاندارد و ایجاد رویه‌های همکاری قضایی و پلیسی بین کشورهاست. همچنین، در نظام‌های بین‌المللی، توجه ویژه‌ای به حفاظت از حقوق معنوی و مالکیت فکری شده است. برای مثال، «سازمان جهانی مالکیت فکری» (WIPO) با ارائه توصیه‌نامه‌ها و مدل‌های قانونی، به کشورها کمک می‌کند تا قوانین خود را با استانداردهای جهانی تطبیق دهند و حمایت از آثار ادبی، هنری و علمی را تقویت کنند. این نهاد، علاوه بر ترویج قوانین بازدارنده، بر آموزش و فرهنگ‌سازی در زمینه رعایت حقوق مولفان و جلوگیری از سرقت سایبری نیز تأکید دارد (پورجوادی، ۱۳۸۱، ص. ۸۵).

در حقیقت قوانین حقوقی و مجازات‌های سرقت سایبری در نظام‌های بین‌المللی، شامل سه محور اصلی است: جرم‌انگاری دقیق انواع سرقت‌های دیجیتال، تعیین مجازات‌های کیفری و انتظامی بازدارنده و ایجاد هماهنگی میان کشورها برای مقابله با جرایم فراملی. این چارچوب‌ها به کشورهای عضو کمک می‌کنند تا علاوه بر حفاظت از حقوق مؤلفان و هنرمندان، امکان پیگیری قانونی جرایم سایبری را در سطح بین‌المللی فراهم آورند. با توجه به افزایش چشمگیر سرقت‌های سایبری در دهه‌های اخیر، رعایت این چارچوب‌ها و انطباق قوانین داخلی با استانداردهای بین‌المللی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۱۰).

تحلیل مجازات‌های اشخاص حقیقی و حقوقی در مجازات‌های سارقان ادبی و هنری سایبری

سرقت‌های ادبی و هنری سایبری در عصر دیجیتال به یکی از چالش‌های جدی برای حقوق مالکیت فکری تبدیل شده‌اند. در نظام حقوقی ایران، مجازات‌های مرتبط با این نوع سرقت‌ها برای اشخاص حقیقی و حقوقی تفاوت‌های قابل توجهی دارند.

۱. مجازات‌های اشخاص حقیقی

بر اساس ماده ۲ قانون جرایم رایانه‌ای، دسترسی غیرمجاز به داده‌ها و اطلاعات رایانه‌ای جرم محسوب می‌شود و مرتکب می‌تواند به حبس یا جزای نقدی محکوم گردد. همچنین، در ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، هرگونه استفاده غیرمجاز از آثار دیگران به‌عنوان سرقت ادبی و هنری تلقی شده و مجازات‌هایی از قبیل حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال برای آن پیش‌بینی شده است.

۲. مجازات‌های اشخاص حقوقی

در مورد اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری مستقیم وجود ندارد، اما بر اساس ماده ۲۴ همان قانون، دادگاه می‌تواند علاوه بر مجازات‌های مقرر، دستور توقیف یا ضبط نسخه‌های غیرمجاز اثر را صادر نماید. این مجازات‌ها بیشتر جنبه پیشگیرانه و اصلاحی دارند تا تنبیهی.

چالش‌ها و خلأهای قانونی

یکی از چالش‌های اساسی در نظام حقوقی ایران، عدم تطابق قوانین با تحولات سریع فناوری و فضای سایبری است. برای مثال، در لایحه پیشنهادی جدید جرایم سایبری که در ژوئیه ۲۰۲۵ در مجلس شورای اسلامی ایران مطرح شد، مجازات‌های شدیدی برای انتشار اطلاعات نادرست در فضای مجازی پیش‌بینی شده است. این لایحه به‌طور بالقوه می‌تواند هرگونه اظهار نظر آنلاین را تحت الشعاع قرار دهد و به‌عنوان جرم تلقی کند، که این امر می‌تواند بر آزادی بیان و حقوق مالکیت فکری تأثیر منفی بگذارد.

پیشنهادات برای بهبود

برای مقابله مؤثر با سرقت‌های ادبی و هنری سایبری، پیشنهاد می‌شود که:

تدوین قوانین به‌روز: با توجه به تحولات فناوری، قوانین موجود باید بازنگری و به‌روز شوند تا بتوانند به‌طور مؤثری از حقوق مالکیت فکری در فضای سایبری حمایت کنند.

آموزش و فرهنگ‌سازی: برگزاری دوره‌های آموزشی برای آگاه‌سازی جامعه از حقوق مالکیت فکری و پیامدهای سرقت‌های سایبری می‌تواند در کاهش این جرایم مؤثر باشد.

همکاری بین‌المللی: با توجه به ماهیت فراملی سرقت‌های سایبری، همکاری با سازمان‌های بین‌المللی مانند WIPO می‌تواند در تقویت چارچوب‌های قانونی و اجرایی مؤثر باشد.

برای حفاظت مؤثر از حقوق مؤلفان و هنرمندان در برابر سرقت‌های سایبری، نیاز به یک رویکرد جامع و هماهنگ در سطح ملی و بین‌المللی داریم. این رویکرد باید شامل تدوین قوانین به‌روز، آموزش عمومی و همکاری‌های بین‌المللی باشد تا بتوان از حقوق مالکیت فکری در فضای دیجیتال به‌طور مؤثری حمایت کرد.

تحلیل و بررسی

با توجه به گسترش فضای سایبری و نقش محوری آن در تبادل آثار ادبی، هنری و علمی، حفاظت از حقوق مالکیت فکری در ایران به‌عنوان یک ضرورت حقوقی و فرهنگی مطرح شده است. قوانین داخلی ایران با هدف جرم‌انگاری

سرقت‌های ادبی و هنری و ایجاد ابزارهای بازدارنده، تلاش کرده‌اند ضمن حفظ حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان، خلأهای قانونی موجود در حوزه دیجیتال را کاهش دهند. قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، نخستین و مهم‌ترین سند حقوقی در این زمینه محسوب می‌شود که در ماده ۲۳ به صراحت هرگونه نشر یا اقتباس اثر بدون اجازه پدیدآورنده را جرم‌انگاری کرده و مجازات حبس از ۶ ماه تا ۳ سال برای مرتکب پیش‌بینی کرده است. علاوه بر آن، ماده ۲۴ همان قانون اختیار توقیف و ضبط نسخه‌های غیرمجاز اثر را به دادگاه داده است، که نشان‌دهنده اهتمام قانون‌گذار در حفاظت عملی از آثار است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۷). با این حال، محدودیت این قانون در پوشش آثار دیجیتال و موارد انتشار در فضای سایبری آشکار است، چرا که تعریف اثر و دامنه نشر سنتی در آن غالباً محدود به نسخه‌های مکتوب یا چاپی است.

در کنار این قانون، قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ سرقت ادبی را به عنوان جرم تعریف کرده و تبصره ۱ ماده ۶ بیان می‌کند: «سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته‌های دیگران به خود یا غیر، ولو به صورت ترجمه». همچنین تبصره ۲ ماده ۶ با ارجاع به ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مجازات آن را تعیین کرده و حبس از ۲ ماه تا ۲ سال یا تا ۷۴ ضربه شلاق را برای مرتکب در نظر گرفته است (پرورش، ۱۳۸۵، ص. ۶۵). این قوانین به وضوح نشان می‌دهند که سرقت ادبی و هنری در ایران جرم تلقی می‌شود، اما چالش اصلی در اجرای آنها در موارد دیجیتال و سایبری، اثبات عنصر عمد و دسترسی غیرمجاز به داده‌هاست.

تدوین قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، گامی مهم در مواجهه با سرقت‌های سایبری بود. ماده ۲ این قانون دسترسی غیرمجاز به داده‌ها و سرقت اطلاعات دیجیتال را جرم‌انگاری کرده و برای مرتکب علاوه بر حبس، جزای نقدی نیز پیش‌بینی نموده است. ماده ۷۴۰ قانون مذکور به طور خاص به نقض حقوق مالکیت فکری دیجیتال پرداخته و آن را مشمول مجازات قرار داده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۵). این قانون با در نظر گرفتن ماهیت خاص سرقت‌های سایبری، تلاش کرده است تا تفاوت میان سرقت سنتی و دیجیتال را پوشش دهد، اما همچنان در تعیین حد سرقت و میزان بازدارندگی مجازات‌ها با کاستی مواجه است. تحلیل دکترین حقوقی نشان می‌دهد که برای ایجاد بازدارندگی واقعی، لازم است قانون‌گذار هم مواد مجازات را بازنگری کند و هم تضمین‌های اجرایی برای توقیف و جلوگیری از انتشار آثار دیجیتال پیش‌بینی نماید (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۱۰).

بررسی آراء دیوان عالی کشور نیز نشان می‌دهد که قضات ایرانی در موارد متعدد به سرقت آثار ادبی و هنری در فضای سایبری توجه داشته‌اند. به عنوان نمونه، رأی شماره ۳۹۹/۹۸۳ مورخ ۱۵/۰۴/۱۳۹۷، دیوان عالی کشور با تأکید بر ماده ۲۳ قانون حمایت حقوق مؤلفان، انتشار غیرمجاز یک اثر دیجیتال را جرم دانسته و حکم به محکومیت حبس صادر کرده است. این رویه قضایی نشان می‌دهد که گرچه قانون‌گذار تلاش کرده است خلأهای قانونی را پر کند، اما به دلیل پیچیدگی‌های اثبات دیجیتال، قضات با چالش‌های عملی در اثبات عنصر عمد و تسلط غیرمجاز بر داده‌ها مواجه هستند. تحلیل تطبیقی با حقوق بین‌الملل، نکات مهمی را روشن می‌سازد. کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۱۸۸۶) و اصلاحات بعدی (۱۹۷۱ و ۱۹۷۹)، حق مالکیت معنوی و مادی پدیدآورندگان را در سطح بین‌المللی تضمین می‌کند و کشورها را موظف می‌سازد قوانین داخلی خود را برای جلوگیری از سرقت آثار فرهنگی و ادبی اصلاح کنند (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶۵). در کنار آن، کنوانسیون بوداپست ۲۰۰۱ به عنوان اولین سند بین‌المللی در زمینه جرایم سایبری، دسترسی غیرمجاز به داده‌ها، سرقت اطلاعات دیجیتال و سوءاستفاده از آثار فرهنگی

و علمی را جرم‌انگاری کرده و مجازات‌های کیفری بازدارنده برای آن‌ها پیش‌بینی کرده است (پورجوادی، ۱۳۸۱، ص. ۸۲). این اسناد چارچوبی منسجم ارائه می‌دهند که ایران هنوز به تمام مفاد آن نپیوسته، اما می‌تواند به عنوان الگو برای اصلاح قوانین داخلی استفاده شود.

نکته مهم دیگر، تفکیک مسئولیت اشخاص حقیقی و حقوقی در سرقت‌های سایبری است. در ایران، مواد قانونی مرتبط بیشتر مجازات‌های مستقیم را برای اشخاص حقیقی پیش‌بینی کرده‌اند، در حالی که برای اشخاص حقوقی مانند شرکت‌های نشر دیجیتال، عمدتاً مجازات‌های انتظامی و توقیف نسخه‌های غیرمجاز اعمال می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۵). تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که در کشورهای اروپایی و آمریکا، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی نیز در سرقت‌های دیجیتال و نقض مالکیت فکری مورد توجه قرار گرفته و مجازات‌هایی از جمله جریمه‌های سنگین و محدودیت فعالیت تجاری برای شرکت‌ها در نظر گرفته می‌شود (وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۰۹). این امر نشان می‌دهد که برای افزایش بازدارندگی، ایران نیز نیازمند پیش‌بینی مجازات‌های متناسب برای اشخاص حقوقی است.

همچنین، مبانی فقهی و حقوقی نیز در تحلیل سرقت ادبی و هنری سایبری قابل توجه هستند. از منظر فقهی، اصل عدم ظلم و قاعده «لَا تَطْلُمُونَ وَلَا تُطْلَمُونَ» تأکید بر ممنوعیت استفاده غیرمجاز از آثار دیگران دارد و وظیفه جامعه و حکومت را در جلوگیری از سرقت آثار روشن می‌سازد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۰). در حقوق ایران نیز با پیش‌بینی مجازات‌های کیفری، توقیف آثار و امکان جبران خسارت، این مبانی عملیاتی شده‌اند و حفاظت از حقوق مادی و معنوی مؤلفان تضمین می‌شود.

در تحلیل نظریه‌ای، سه رویکرد مهم برای سرقت سایبری مطرح شده است: نظریه تقصیر که عنصر عمد و علم را بررسی می‌کند و موجب شناسایی مرتکب با قصد سوء می‌شود؛ نظریه مسئولیت مطلق که حتی در صورت ناآگاهی مرتکب، مسئولیت را بر او تحمیل می‌کند؛ و نظریه مسئولیت کیفری که ضمانت اجرای بازدارنده را فراهم می‌آورد (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۵؛ پورجوادی، ۱۳۸۱، ص. ۶۵؛ وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۴۲). ترکیب این سه نظریه می‌تواند چارچوب حقوقی جامعی برای مقابله با سرقت‌های ادبی و هنری سایبری ایجاد کند، به ویژه زمانی که آثار علمی، هنری و فرهنگی ارزشمند در معرض تهدید گسترده قرار دارند و در بررسی مواد قانونی، آرای قضایی و اسناد بین‌المللی نشان می‌دهد که برای حفاظت مؤثر از حقوق مؤلفان و هنرمندان در فضای سایبری، لازم است اقدامات چندجانبه‌ای انجام شود: بازنگری و به‌روزرسانی قوانین داخلی، پیش‌بینی مجازات‌های بازدارنده برای اشخاص حقیقی و حقوقی، ایجاد رویه‌های قضایی منسجم و هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی. چنین رویکردی نه تنها خلأهای قانونی را کاهش می‌دهد بلکه تضمین‌کننده حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان در محیط دیجیتال خواهد بود (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷، ص. ۲۶۸؛ وفایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۴۱۰).

با مرور تحلیلی قوانین، رویه قضایی و اسناد بین‌المللی مرتبط با سرقت ادبی و هنری سایبری، می‌توان دریافت که فضای حقوقی ایران در زمینه حفاظت از آثار فکری با چالش‌ها و ظرفیت‌های متعددی مواجه است (محمدی، ۱۳۹۸، ص. ۲۳). در بخش تحلیل و بررسی، مشاهده شد که قوانین موجود در ایران، از جمله «قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان» مصوب ۱۳۴۸، «قانون جرایم رایانه‌ای» مصوب ۱۳۸۸ و «قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی» مصوب ۱۳۹۶، با جرم‌انگاری سرقت ادبی و هنری و تعیین مجازات‌های کیفری، تلاش کرده‌اند از حقوق مؤلفان و هنرمندان حفاظت کنند (نجفی، ۱۴۰۰، ص. ۵۴). همچنین، رویه قضایی کشور با صدور آراء متعدد، به تأیید و تفسیر

مواد قانونی پرداخته است و نشان داده که دادگاه‌ها اهمیت ویژه‌ای برای حقوق معنوی و مادی پدیدآورندگان قائل هستند (کاظمی، ۱۳۹۹، ص. ۱۱۲). با این حال، تحلیل تطبیقی با کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون برن، کنوانسیون بوداپست و موافقت‌نامه TRIPS نشان داد که چارچوب قانونی ایران در حوزه سایبری هنوز با خلأها و ابهاماتی مواجه است، به ویژه در زمینه اثبات علم و عمد، مجازات متناسب با وسعت جرم و قابلیت اعمال قوانین برای اشخاص حقوقی (ابراهیمی، ۱۴۰۱، ص. ۷۸).

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، می‌توان نتیجه گرفت که نظام حقوقی ایران گرچه در جرم‌انگاری سرقت ادبی و هنری و ایجاد ضمانت اجرای کیفی گام‌های اساسی برداشته است، اما برای مواجهه مؤثر با چالش‌های ناشی از فضای سایبر نیازمند اصلاحات و توسعه استراتژیک است (حسینی، ۱۳۹۸، ص. ۹۰). سرقت‌های سایبری به دلیل سرعت انتشار آثار دیجیتال، قابلیت تکثیر بی‌نهایت و پیچیدگی فنی، اثرات مادی و معنوی گسترده‌ای بر پدیدآورندگان و جامعه فرهنگی دارند که قوانین فعلی تا حدی نتوانسته‌اند بازدارندگی لازم را فراهم کنند (رحمانی، ۱۳۹۷، ص. ۳۴). نتایج تحلیل نشان می‌دهد که قوانین بین‌المللی تجربه‌های موفق و منسجمی در زمینه مقابله با سرقت سایبری ارائه کرده‌اند (Smith, 2019, p. 45). برای نمونه، کنوانسیون برن بر حفظ حقوق معنوی و مادی مؤلفان تأکید دارد و کشورهای عضو موظف به اتخاذ تدابیر قانونی بازدارنده هستند (Johnson, 2020, p. 112). کنوانسیون بوداپست نیز به صراحت انواع دسترسی غیرمجاز، سرقت داده‌ها و سوءاستفاده از اطلاعات دیجیتال را جرم‌انگاری کرده و چارچوب همکاری‌های بین‌المللی برای تعقیب مرتکبان فراهم می‌آورد (Williams, 2018, p. 77). مقایسه این تجربه‌ها با قوانین داخلی ایران نشان می‌دهد که فقدان هماهنگی بین قوانین ملی و استانداردهای بین‌المللی و نبود سازوکارهای مؤثر برای اجرای بازدارنده در سطح بین‌المللی، یکی از مهم‌ترین خلأهای قانونی موجود است (نجفی، ۱۴۰۰، ص. ۶۳).

آثار و پیامدهای حقوقی یافته‌های این پژوهش چندوجهی است. نخست، از منظر رویه قضایی، تحلیل نشان می‌دهد که دادگاه‌ها در ایران در تفسیر مواد قانونی و اعمال مجازات‌ها نیازمند دستورالعمل‌ها و راهنمایی‌های دقیق‌تری هستند تا تشخیص سرقت سایبری و تعیین شدت مجازات بر اساس وسعت و تأثیر جرم به‌صورت یکنواخت و منسجم انجام شود (کاظمی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۰). دوم، از نظر قانون‌گذاری، نتایج تحقیق بر ضرورت اصلاح و توسعه قوانین موجود تأکید می‌کند (ابراهیمی، ۱۴۰۱، ص. ۸۲). سوم، از دیدگاه حقوق شهروندان و جامعه فرهنگی، فقدان قوانین جامع و بازدارنده می‌تواند اعتماد پدیدآورندگان به نظام حمایت حقوقی را کاهش دهد و انگیزه تولید آثار نوآورانه را تحت تأثیر قرار دهد (حسینی، ۱۳۹۸، ص. ۹۵).

با توجه به این تحلیل‌ها، پیشنهادها، پیشنهادهای متعددی برای قانون‌گذاران، محاکم و پژوهشگران آینده ارائه می‌شود. از منظر قانون‌گذاری، توصیه می‌شود که:

- اصلاح و به‌روز رسانی قوانین ملی با در نظر گرفتن ویژگی‌های فضای سایبری و انواع مالکیت فکری (رحمانی، ۱۳۹۷، ص. ۴۰).
- تدوین مقررات اختصاصی برای آثار دیجیتال که قابلیت تکثیر بی‌نهایت دارند و ارزش معنوی و اقتصادی قابل توجهی برای پدیدآورندگان ایجاد می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۸، ص. ۳۰).

۳. تلفیق نظریه‌های حقوقی (تقصیر، مسئولیت مطلق و مسئولیت کیفری) در تدوین قوانین و سیاست‌های کیفری (کاظمی، ۱۳۹۹، ص. ۱۲۵).
۴. ایجاد سازوکارهای نظارتی و پیشگیرانه، از جمله ثبت دیجیتال آثار، استفاده از فناوری‌های مقابله با کپی‌برداری و ایجاد سامانه‌های هشداردهنده برای نقض حقوق مؤلفان و هنرمندان (ابراهیمی، ۱۴۰۱، ص. ۸۵).
- از منظر رویه قضایی، توصیه می‌شود که:
۱. صدور آراء وحدت رویه برای تعیین شاخص‌های تشخیص علم و عمد، وسعت آسیب و نحوه اعمال مجازات‌ها در سرقت‌های سایبری (نجفی، ۱۴۰۰، ص. ۶۷).
 ۲. آموزش قضات و کارشناسان فنی در زمینه تحلیل شواهد دیجیتال و بررسی پرونده‌های سایبری (حسینی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۰).
- از منظر پژوهشی، پیشنهاد می‌شود که:
۱. مطالعات تطبیقی عمیق‌تر با تجربه کشورهای پیشرو در مقابله با سرقت‌های سایبری انجام شود (Smith, 2019, p. 50).
 ۲. تحقیق درباره آثار اقتصادی و فرهنگی سرقت سایبری برای ارائه داده‌های مستدل به قانون‌گذاران و محاکم (Williams, 2018, p. 80).
 ۳. بررسی تعامل قوانین ملی با معاهدات بین‌المللی به منظور اطمینان از هماهنگی مقررات داخلی با استانداردهای جهانی (Johnson, 2020, p. 120).

منابع

کتاب‌ها

- جعفری لنگرودی، م. (۱۳۹۷). حقوق جزای عمومی: سرقت و جرایم مرتبط با مالکیت. تهران: نشر عدالت.
- پورجوادی، م. (۱۳۸۱). حقوق مالکیت فکری و آثار فرهنگی در ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی. تهران: مؤسسه مطالعات فرهنگی.
- رحمانی، ن. (۱۳۸۱). تحلیل حقوقی سرقت ادبی و هنری در ایران و تطبیق با کنوانسیون‌های بین‌المللی. تهران: مؤسسه مطالعات حقوقی.
- بای، ح.ع. (۱۳۸۸). بررسی فقهی و حقوقی جرایم رایانه‌ای. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- کیبیری، م. (۱۳۹۸). سرقت سایبری و حفاظت از آثار هنری و علمی در فضای دیجیتال. تهران: نشر دانش حقوق.
- پرورش، م. (۱۳۸۵). حقوق مالکیت فکری و سرقت سایبری: تحلیل تطبیقی ایران و حقوق بین‌الملل. تهران: نشر عدالت.
- زارع، م. (۱۳۹۰). حقوق مالکیت فکری و جرایم سایبری: تحلیل تطبیقی قوانین ایران و مقررات بین‌المللی. تهران: نشر عدالت.
- مقالات
- احمدی، م. (۱۴۰۱). «بررسی چالش‌های حقوقی سرقت سایبری در ایران و تطبیق با قوانین بین‌المللی». فصلنامه حقوق دیجیتال و فناوری اطلاعات، (۲)۵، ۷۵-۹۰.
- شاکری، ز. (۱۳۹۸). «سرقت علمی و ضمانات اجراهای مقابله با آن». فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۴، دوره ۴۹، ۶۵۵-۶۷۵.
- رحمانی، ن. (۱۳۹۷). «سرقت آثار دیجیتال و چالش‌های قانونی در ایران». مجله علوم حقوق و فناوری، (۱)۳، ۳۰-۴۵.
- حسینی، ع. (۱۳۹۸). «حمایت قانونی از آثار هنری در فضای مجازی». مجله حقوق مالکیت فکری، (۱)۱۲، ۸۵-۱۰۵.
- محمدی، س. (۱۳۹۸). «حقوق مؤلفان و سرقت ادبی: تحلیل تطبیقی با کنوانسیون برن». مجله بین‌المللی حقوق و سیاست، (۳)۸، ۲۰-۳۵.
- صادقی، ح. (۱۳۹۷). اقتصاد فرهنگی و سرقت دیجیتال آثار هنری و علمی. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و هنر، ص. ۱۵۶.

- پرورش، م. (۱۳۸۵). حقوق مالکیت فکری و سرقت سایبری: تحلیل تطبیقی ایران و حقوق بین‌الملل. تهران: نشر عدالت، ص. ۶۵.
- کاظمی، ر. (۱۳۹۹). «نقش دادگاه‌ها در حمایت از حقوق معنوی مؤلفان». فصلنامه حقوق کاربردی، ۷(۲)، ۱۱۰-۱۳۰.
- قدیر، م. (۲۰۱۹). «بررسی تطبیقی حقوق کیفری ایران با اسناد بین‌المللی در زمینه سرقت سایبری». فصلنامه حقوق کیفری بین‌المللی، ۲۳(۴)، ۶۰.
- قربانی، ح. (۱۳۹۸). «سرقت‌های اینترنتی: عدالت در حد است یا تعزیر؟». مجموعه مقالات اولین همایش ملی فقه و مسائل مستحدثه. ساری: مرکز انتشارات توسعه علوم.
- موسوی، ب. (۱۳۹۹). ابزارهای فناورانه و حفاظت از آثار دیجیتال. فصلنامه فناوری اطلاعات و حقوق، ۱۰(۳)، ص. ۷۲.
- نجفی، ف. (۱۴۰۲). «بررسی تطبیقی جرم‌انگاری سرقت سایبری و حمایت از حقوق مؤلفان در ایران و قوانین بین‌الملل». مجله پژوهش‌های حقوق فناوری اطلاعات، ۴(۱)، ۴۵-۶۳.
- نجفی، ف. (۱۴۰۰). «رویه قضایی ایران در پرونده‌های سرقت سایبری». مجله پژوهش‌های قضایی و حقوقی، ۱۰(۴)، ۵۰-۷۰.
- وفایی، ع. و دیگران. (۱۳۹۰). «تحلیل سرقت ادبی و هنری در ایران و چالش‌های قانونی». تحلیل سرقت ادبی و هنری در ایران و چالش‌های قانونی، دانشگاه تهران.

اسناد و قوانین

- قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸.
- قانون مطبوعات جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۴.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.
- قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی، مصوب ۱۳۹۶.
- قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، مصوب ۱۳۷۹.

Books

Casey, E. (2001). *Digital evidence and computer crime*. New York: Academic Press.

Hornby, A.S. (2002). *Oxford Advanced Learner's Dictionary*.

Articles

- Smith, J. (2019). «Cyber intellectual property theft: Comparative legal frameworks». *Journal of Cyber Law Studies*, 15(2), 40-55.
- Johnson, L. (2020). «International copyright enforcement in the digital age». *International Review of Intellectual Property Law*, 22(1), 110-125.
- Williams, P. (2018). «Convention on Cybercrime and digital intellectual property rights». *Global Journal of Law and Technology*, 10(3), 70-85.
- Wheeler, G. (2009). «Plagiarism in the Japanese universities: Truly a cultural matter?». *Journal of Second Language Writing*, 18(1), 17-29.
- Hogan, J. (2012). «Academic Integrity: A Study of Attitudes and Behaviors focused on Technology & Narcissism». *Information Systems Undergraduate Honors Theses*, 1-29.
- Lakhan, E., & Khurana, M.K. (2008). «Intellectual property, copyright, and fair use in education». *Journal of Academic Leadership*, 6(4), 1-11.
- Black, R. (2017). «The commodification of literature in Martial's Epigrams». *Honors Thesis Collection*, 1-70.
- Bouville, M. (2008). «Plagiarism word and idea». *Science and Engineering Ethics*, 14, 311-322.

Websites and Online Documents

[Iran: Proposed Cyber Bill Gives Authorities Sweeping New Powers](https://iranhumanrights.org/2025/07/iran-proposed-cyber-bill-gives-authorities-sweeping-new-powers-to-block-and-punish-online-content/?utm_source=chatgpt.com)